

Obstacles to the secularization of the political system in Islam based on the thought of Ayatollah Javadi Amoli using the method of content analysis

Saeed Ghorbani*

Batoul Yousefi**

Abstract

The political system of Islam is based on religious principles and values, and the Muslim community continues to live by it. Religion as a main pillar in various aspects of human life has a fundamental and vital role, in other words, human life is based on religious menus. Contrary to this thinking, the prevailing view is secularism and custom, which believes in the minimal presence of religion in social spheres and in some cases the removal of religion from the social sphere and its presence in the individual dimension of human life. In this article, the authors intend to analyze and analyze the obstacles to the secularization of the political system in Islam using the method of content analysis and influenced by the intellectual and theoretical foundations of Ayatollah Javadi Amoli. The question is what are the obstacles to the secularization of the political system in Islam in the thoughts of Ayatollah Javadi Amoli and how can it be analyzed by the method of content analysis? The findings of the research show that in the belief and thinking of Ayatollah Javadi Amoli, obstacles such as correct and rational interpretation of the Holy Quran and religious principles,

* PhD in Political Studies of the Islamic Revolution, Tehran Shahed University (Corresponding Author),
saeed67110@yahoo.com

** Assistant Professor of Department of Islamic Learning, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran,
b.yousefi@alzahra.ac.ir

Date received: 2021/01/25, Date of acceptance: 2022/07/14



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

avoidance of eclecticism, avoidance of narcissism and narcissism, attention to leadership and implementation of his statements and the like It can protect Islamic societies against secularization.

Keywords: Islam, Ayatollah Javadi Amoli, Secularism, Islamic system, barriers to secularization, content analysis.

موانع عرفی شدن نظام سیاسی در اسلام براساس اندیشه آیت‌الله جوادی آملی با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون

سعید قربانی*

بتول یوسفی**

چکیده

نظام سیاسی اسلام بر دایر مدار اصول و ارزش‌های دینی شکل گرفته است که جامعه و اجتماع مسلمین با تبعیت از آن استمرار حیات دارند. دین به‌عنوان رکن اصلی در ابعاد مختلف زندگی انسان نقش اساسی و حیاتی دارد به عبارتی حیات بشری بر اساس منویات دینی پایه‌گذاری شده است. در مقابل این تفکر، نگاه سکولاریسم و عرفی حاکم است که حضور حداقلی دین در عرصه‌های اجتماعی و در مواردی حذف دین از عرصه‌ی اجتماعی و حضور آن در بعد فردی حیات انسان اعتقاد دارد. در این مقاله نگارندگان مترصد این هستند که با استفاده از روش تحلیل مضمون و با تأثی از مبانی فکری و تئوریک آیت‌الله جوادی آملی موانع عرفی شدن نظام سیاسی در اسلام را مورد تحلیل و واکاوی قرار دهند. سؤال مطرح اینک موانع عرفی شدن نظام سیاسی در اسلام در افکار آیت‌الله جوادی آملی کدام است و با روش تحلیل مضمون چگونه قابلیت تحلیل دارد؟ یافته‌های پژوهش گویای این است که در باور و تفکر آیت‌الله جوادی آملی موانعی چون تفسیر صحیح و عقلانی قرآن کریم و مبانی دینی، دوری از

* دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد تهران (نویسنده مسئول)، saeed67110@yahoo.com

** استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، b.yousefi@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۳



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

التقاط، دوری از نفسانیات و نفس اماره، توجه به رهبری و پیاده‌سازی بیانات او و امثال آن می‌تواند جوامع اسلامی را در تقابل با عرفی شدن مصونیت دهد.

کلیدواژه‌ها: دین اسلام، آیت‌الله جوادی آملی، سکولاریسم، نظام اسلامی، موانع عرفی شدن، تحلیل مضمون.

۱. مقدمه و بیان مسئله

آیت‌الله جوادی آملی از جمله متفکران جهان اسلام است که در رابطه با دین و سیاست و ارتباط متقابل آن‌ها؛ تحقیق و تفحص به عمل آورده است و با استناد بر مبانی قرآنی و روایی و با توسل بر عقلانیت نشان داده است که دین بدون سیاست و سیاست فاقد دین راه به‌جایی نمی‌برد و سرانجام آن انحطاط و تحریف است. باور فکری جوادی آملی این است که سکولاریسم در دین مبین اسلام جایگاهی ندارد؛ لذا اگر عوامل سکولار و عرفی شدن در جهان اسلام به‌عین دیده می‌شود به دلیل نقص در ذات اسلام و مبانی و ارزش‌های اسلامی نیست؛ بلکه نشئت گرفته از معرفت ناقص و عملکرد منحرفانه امت اسلامی است. اسلام به دنبال سعادت و هدایت انسان است؛ از منظر بزرگان دین؛ ظهور و حضور دین جهت سازمان‌دهی حیات بشری برای سعادت است؛ لذا اگر خللی در حیات بشری ایجاد می‌گردد؛ ناشی از معرفت ناقص انسان به دین الهی به همراه عملکرد تحریف آمیز است. انسان اگر تابع باشد و براساس گزاره‌های اسلامی تفکر و عمل کند به وادی سعادت سوق داده می‌شود. در چشم‌انداز فکری این مفسر قرآن، دلیل زمین‌گیر شدن حیات بشری به سبب فاصله‌گیری امت اسلامی از مبانی و احکام الهی است. زمانی که تفکر از مبانی الهی زاویه‌گیری کند در این صورت عمل متناسب با تئوری نیز دچار تحریف و انحراف می‌گردد. از دیگر معضله‌هایی که امت اسلامی با آن روبه‌رو است حضور جهان استکبار و استعمار است. کانال پرتوافکنی تفکر استعماری بر جهان اسلامی زمان قابل‌عینیت‌یابی است که جهان اسلام از داشته‌های خود فاصله‌گیری کند. در این صورت زمینه برای نفوذ تفکر و عملیات دشمن فراهم می‌گردد. در این مقاله تلاش این است که با استفاده از سه محور بینشی اعتقادی، فرهنگی-اجتماعی و سیاسی، موانع پیش روی عرفی شدن نظام اسلامی مورد تحلیل و واکاوی قرار گیرد تا نشان داده شود امت اسلامی در چه شرایطی می‌تواند در وادی عرفی شدن قرار گیرد و راهکاری سد راه این روند چه عواملی می‌تواند باشد؟ در ابتدا سعی خواهد شد که مفهومی از دین و حکومت اسلامی و اهداف و

موانع عرفی شدن نظام سیاسی در اسلام براساس ... (سعید قربانی و بتول یوسفی) ۸۷

مبانی اسلامی از منظر آیت الله جوادی آملی مورد بررسی قرار گیرد تا با شفاف‌سازی مبانی و منظومه‌ی فکری ایشان به بحث موانع عرفی شدن نظام اسلامی ورود پیدا کنیم.

۲. مباحث مفهومی

۱.۲ مفهوم دین؛ دین الهی

برای درک صحیح و منطقی سکولاریسم لازم است که تعریف جامع از دین دست‌یافت. علی‌الظاهر نیل به امری اشتراکی میان ادیان و تعریف مانع و جامع در باب دین، امری حدوداً محال است. بنابراین آیت الله جوادی آملی به تعریف دین اسلام و به بیان دیگر، تعریف دین با عنایت به خصوصیات اسلام اکتفا می‌کند (داورپناه، ۱۳۹۲: ۷۳) جوادی آملی در تعریف دین می‌گوید:

دین مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق، قوانین فقهی و حقوقی است که از ناحیه خداوند برای هدایت و رستگاری بشر تعیین شده است، پس دین، مصنوع و معقول الهی است، به این معنا که قوانین فقهی و محتوای حقوقی آن را خداوند تشریح و جعل می‌کند، همان‌گونه که محتوای اخلاقی و اینکه چه امری جزء اصول اعتقادی این مجموعه باشد نیز از طرف ذات اقدس الهی تعیین می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۱۹)

ایشان در مورد نیاز ضروری انسان جهت سازمان‌دهی زندگی به دین می‌گوید:

دین، همزاد انسان است و بشر از آغاز آفرینش خود، نیاز به دین را همواره در خویشتن می‌یافت و با عطش فطری در پی آن می‌رفت تا با رسیدن به زلال آن، این عطش را برطرف، و خود را سیراب کند. از این رو، جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان با این‌که در قرون گذشته از انسان به موجود «مستوی القامة» و ابزار ساز و سیاست ورز تعبیر می‌کردند، اما امروزه از او به عنوان موجود دین‌ورز سخن می‌گویند؛ زیرا محققان با پژوهش‌های تاریخی خویش، هیچ قومی از اقوام بشری را نیافته‌اند که صاحب نوعی دین نبوده باشند؛ چنان‌که جدیدترین پژوهش‌های جامعه‌شناختی، بیش از نود و پنج درصد انسان‌ها را معتقد به خداوند، و متدین به دینی از ادیان می‌داند و این واقعیت، مَبطل این نظریه است که با پیشرفت اجتماعی و افزایش رفاه مادی، دین و اندیشه دینی انحطاط می‌یابد. سرش این است که انسان، دارای سرشت و فطرت دینی است و هویت بافت وجودی او در متن خلقت با دین عجین شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۱۶)

در ادامه می‌گوید که دین جزو خواسته‌های طبیعی انسان است: «بنابراین، دین، خواست و نیاز طبیعی انسان است. دین، گرچه ممکن است به شکل موقت از صحنه زندگی انسان حذف شود، اما سرانجام به آن بازمی‌گردد و لزوماً انسان زندگی خود را با آن همگام و هماهنگ می‌کند» (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۱۹) از منظر ایشان راه‌های رسیدن به دین حقیقی نیازمند تحقیق و مطالعه است:

انسان در فطرت و نهاد خود به دین گرایش دارد؛ اما برای این که دین حق را در بُعد اندیشه علمی و انگیزه عملی بیابد، باید اقدام به پژوهش و تحقیق کند و محققانه آن را بپذیرد و متحققانه به آن معتقد، و به برنامه‌های عملی آن پایبند شود (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۱۹)

در ادامه می‌گوید: «رابطه انسان و دین، زمانی درست ترسیم می‌شود که حقیقت دین و انسان به خوبی شناخته شود و در پی آن، چگونگی پیوند انسان و دین روشن گردد» (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۲۴)

ایشان دین حقیقی را هماهنگ و متناسب با نیازهای حیات بشری می‌داند که بتواند پاسخ‌گوی نیازهای انسان در طول زندگی باشد: «از آنجاکه دین، برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسانهاست، هماهنگی قوانین و مقررات آن با نیاز واقعی جامعه و مناسبت آن با تحولات اجتماع و مطابقت آن با سرشت و سیر جوهری انسان، میزان حق بودن آن است» (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۱۱۱) ایشان با مقدمه‌ای که در فوق ذکر کردند به این نتیجه اشاره می‌دارد که: «با این مقدمه دانسته می‌شود، دین حق، دینی است که عقاید، اخلاق، قوانین و مقررات آن از طرف خداوند نازل شده و دین باطل دینی است که از ناحیه غیر خداوند تنظیم و مقرر شده باشد» (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۱۱۲). در ادامه در تفاوت دین الهی و بشری می‌گوید:

دین حق، واحد است؛ چون مبدأ فاعلی دین حق، خدایی است که هم ذات او نامتناهی، و هم قدرت وجودی‌اش نامحدود است و نیز حق در نظام هستی، همواره ثابت و واحد است. دین باطل، متعدّد است؛ زیرا مبدأ فاعلی دین باطل، هوا و هوس انسان است و هوس‌ها متفرق است. از این رو، ادیان باطل، متفرق و پراکنده است و چون ادیان باطل پراکنده است، منحصر و محصور نیست؛ زیرا هوس انسان، محصور نیست. از این رو، خداوند در قرآن در برابر صراط مستقیم که واحد است، از راه‌های پراکنده سخن می‌گوید: (وَلَاتَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ) انسانی که از راه الهی و دین حق دور شود، گرفتار راه‌های باطل و گوناگون خواهد شد (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۳۴)

۲.۲ اسلام و ضرورت حکومت

از منظر ایشان شکل‌گیری حکومت و ضرورت وجودی آن نه تنها ضرورت اجتماعی بلکه ضرورت فطری و طبیعی دارد. جوادی آملی از زاویه‌ی دین اسلام به حکومت نگاه می‌کنند و بر این نکته تأکید دارند که ایجاد و تشکیل حکومت متناسب با فطرت و روحیات فطری بشر است:

حکومت نه تنها یک ضرورت اجتماعی است بلکه یک نیاز فطری و طبیعی است و مسلم است که دین اسلام که بر همه جوانب انسانی اهتمام دارد نیز به این مسأله پرداخته است. چون دین اسلام بر اساس فطرت و عقل پایه‌ریزی شده و نمی‌تواند به یکی از بدیهی‌ترین و اولی‌ترین نیازهای فطری و عقلی انسان و جوامع انسانی یعنی حکومت بی‌اعتنا باشد؛ زیرا شریعت اسلام به نحو احسن بر اساس فطرت انسانی نازل شده است و همه جوانب زندگی فطری و سعادت مبتنی بر آن فطرت را که از فطرت خدایی برگرفته شده فراهم می‌کند. (کشاوری، ۱۳۸۹: ۶۳)

وی در ادامه‌ی مباحث در باب ضرورت تشکیل و شکل‌دهی حکومت، به مبانی قرآنی و روایی اشاره داشته و در این زمینه با تحقیقاتی که انجام دادند به این نتیجه واصل شدند که پیاده‌سازی ارزش‌های اسلامی و الهی در جامعه نیازمند تشکیل حکومت و نظام سیاسی است، اجرایی‌سازی احکام بدون نیروی زور و عامل اجرایی امکان عملی شدن ندارد. لذا تشکیل حکومت مقدمه‌ی ضروری جهت ورود احکام الهی از بعد نظری صرف به عملیاتی است:

خدای سبحان در یکی از آیات قرآن کریم، هدف ارسال رسولان خود را چنین بیان می‌فرماید: (کان الناس أمة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين ومنذرين وأنزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه) در این کریمه، مسأله رفع اختلاف میان مردم، به‌عنوان هدف بعثت انبیاء مطرح شده است. اگر اختلاف میان انسان‌ها امری طبیعی و قطعی است چنان‌که در پیش‌گفته شد و اگر رفع اختلاف‌ها، امری ضروری برای ایجاد نظم در جامعه بشری و دوری از هرج و مرج است، موعظه و نصیحت و مسأله‌گویی صرف نمی‌تواند مشکل اجتماعی را حل کند و لذا هیچ پیامبر صاحب شریعتی نیامده است مگر آنکه علاوه بر تبشیر و انذار، مسأله حاکمیت را نیز مطرح نموده است. خدای سبحان در این آیه نمی‌فرماید پیامبران به‌وسیله تبشیر و انذار، اختلاف جامعه را رفع می‌کنند، بلکه می‌فرماید به‌وسیله «حکم» اختلافات آن را برمی‌دارند؛ زیرا حل اختلاف، بدون حکم و حکومت امکان‌پذیر نیست. (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۷۳)

مفید بودن احکام الهی صرفاً در بعد نظری نیست؛ بلکه ذات احکام الهی بر این محور است که رویکرد عملیاتی به خود بگیرد تا جامعه در سایه‌ی آن سعادت‌مند گردد:

بنابراین، هر مکتبی که پیام‌آور شریعتی برای بشر باشد، به‌یقین، احکام فردی و اجتماعی را با خود آورده است و این احکام، در صورتی مفید و کارساز خواهند بود، که به‌اجرا درآیند و اجرای قانون و احکام الهی نیز ضرورتاً نیازمند حکومتی است که ضامن آن باشد. در غیر این صورت، یا اساساً احکام دینی به اجرا در نمی‌آید و یا اگر اجرایش به دست همگان باشد، لازمه‌اش هرج‌ومرجی است که بدتر از نبودن احکام در جامعه است (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۷۴).

لاجرم، دین اسلام را دین کامل و جامع می‌داند که برای ورود در حیات بشری نیازمند عملیاتی سازی است؛ یعنی دین از نگاه معرفتی کوتاه‌فکرانه باید خارج شود و با معرفت‌گیری صحیح و منطقی از مبانی آن به زندگی انسان ورود پیدا کند:

اسلام از آن جهت که دین الهی است و از آن جهت که کامل و خاتم همه مکتب‌هاست، برای اجرای احکامش و برای ایجاد قسط و عدل در جامعه، حکومت و دولت می‌خواهد؛ برای نبرد با طاغوت و ستیز با ظلم و تعدی طاغوتیان، حکومت و حاکم می‌خواهد. اسلام بی‌حکومت و بی‌اجرا، قانون صرف است و از قانون که «سوادى بر بیاض» است، به‌تنهایی کاری ساخته نیست و اگر دشمنان اسلام، جدایی دین از سیاست را ترویج می‌کنند و اسلام بی‌حکومت را تقدیس و تکریم کرده و می‌کنند، برای خلع سلاح نمودن مسلمین و جامعه اسلامی است؛ نه به جهت خیرخواهی و نیک‌اندیشی یا اسلام‌شناسی واقعی و اصیل آنان (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۷۶)

۳.۲ دین سیاسی؛ سیاست به‌مثابه جزء لاینفک اسلام

اسلام، دینی سیاسی است و سیاست جزء لاینفک اسلام است و یکی از ارکان و پایه‌های اساسی اسلام را سیاست و متعلقات آن تشکیل می‌دهد (حسینی مطلق، ۱۳۸۲: ۹۸) جوادی آملی به سیاسی بودن دین اسلام اشاره دارد که برای سروسامان دادن به زندگی انسان آمده است:

حق این است که دین برای اصلاح همه‌ی شئون مردم است و قیام انبیا که از طرف خداوند سبحان دین الهی را آورده‌اند و نیز قیام امامان که حافظان همان دینند و نهضت علمای عادل که وارثان همان امامانند، همگی برای اصلاح تمام شئون مردم است و این همان قیام سیاسی است (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۳۵)

موانع عرفی شدن نظام سیاسی در اسلام براساس ... (سعید قربانی و بتول یوسفی) ۹۱

اسلام، تنها دینی است که آموزه‌های آن عمده‌ترین تأکید را در امر سیاست و حکومت ارائه کرده است. بر همین منوال، دیانت مسلمان با جست‌وجوی امور یکدیگر و رفع معضلات و به زبان دیگر با سیاست پیوند زده شده است و بر این مبنا نمی‌توان شخصی را که از مشکل برادران دینی‌اش و کوشش در حل آن بی‌تفاوت باشد مسلمان نامید. برخی نمونه‌های قرآنی این مسئله که آیت‌الله جوادی به آنها اشاره دارد عبارت‌اند از:

۱. عدم نگرانی از سلطه کافران (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۴۶)،

۲. خیانت رهبران جامعه (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۴۸)،

۳. زدودن منازعات اجتماعی (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۴۸)،

۴. کتمان حق عامل اختلاف و شبهه‌افکنی (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۴۹)،

۵. خلافت مؤمنان در جامعه (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۵۱)،

۴.۲ سکولاریسم

جوادی آملی در تعریف سکولاریسم آورده است: سکولاریزم، واژه‌ای بیگانه و غربی است که در فرهنگ‌نامه‌ها به «جدا انگاری دین و دنیا» و «جدایی دین از امور اجتماعی» و «جدایی دین از سیاست»، معنا شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۷). جوادی آملی از میان تعریف‌های گوناگون سکولاریسم، بر سه نوع تعریف تأکید می‌کند: ۱. جدا انگاری دین و دنیا (در برخی تعریف‌ها در باب سکولاریسم، امر دین و دنیا از هم جدا می‌گردد)، ۲. افتراق دین از امور اجتماعی (دین به حوزه شخصی و خصوصی محدود می‌گردد) و ۳. افتراق دین از سیاست (بر این مسئله تأکید می‌گردد که دین نبایستی در مسائل سیاسی و حکومت دخالت کند) براساس اعتقاد جوادی آملی، این سه معنا با وجود تفاوتشان، در طول هم قرار می‌گیرند؛ زیرا از حوزه کلی‌تر یعنی دنیا، به طرف ساحت محدودتر یعنی جامعه و نهایتاً، سیاست سیر می‌کند و آنچه در میان این مفاهیم، اشتراک دارد، مردود بودن حکومت دینی است. به عبارت دیگر، در تمام تعاریف فوق، یک طرف تقابل، دین و در طرف مقابل، مفاهیم دنیا، جامعه و سیاست استقرار دارد. واضح و هویدا است که سیاست، جزئی از جامعه و جامعه، جزئی از دنیا است. بنابراین براساس بیانش و باور ایشان اگر ادعای افتراق دین از سیاست مخدوش شود، معنای دیگر نیز بی‌اعتبار می‌گردد (داورپناه و همکار، ۱۳۹۲: ۷۳) برای درک مفهوم سکولاریسم در نگاه جوادی آملی ضروری است که نگاه ایشان نسبت به دین و ارتباط دین و دنیا از نگاه ایشان واکاوی گردد تا

مشخص گردد که ایشان از چه زوایایی به نقد و بررسی سکولاریسم اهتمام ورزیده‌اند. ضرورت سکولاریسم آن است که دین درباره حیات اجتماعی و سیاسی سکوت کند. از نگاه جوادی آملی، سکولاریسم ایجاب می‌کند که قائلان به آن، برای اداره جامعه به امری غیر از دین توسل داشته باشند (داورپناه، ۱۳۹۲: ۷۶) نظریه سکولاریزم، محدوده وسیعی را در حوزه اجتماعی دین، به خود اختصاص می‌دهد؛ اما دقت در مفاهیم و معانی آن، نشان می‌دهد که مرکز ثقل این نظریه، ردّ حکومت دینی است؛ به گونه‌ای که نظریه‌پردازان این تفکر با وجود اختلاف نظر در دلایل، تعریف و گستره سکولاریزم هرگز تأسیس حکومتی با محوریت دین را نمی‌پذیرند و در لزوم نبود آن اتفاق نظر دارند (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۸)

از منظر آیت‌الله جوادی آملی در رابطه با ارتباط دین و سیاست پنج برداشت قابل بررسی است:

۱. برخی منکر دین هستند؛ جوادی آملی در توضیح این طیف می‌گوید: «ملحدان کسانی که معرفت‌شناسی آن‌ها فقط و فقط در مدار حس و تجربه حسی است و تا ماده نباشد، نمی‌پذیرند، بیرون از قلمرو ماده را منکرند، این‌ها سیاست دارند، ولی دیانت ندارند».

۲. دیانت را براساس معیارهای خود می‌پذیرد و در باب سیاست منکر است؛ ایشان در باب این گروه به خوارج اشاره کرده و خاطر نشان کردند:

گروه خوارج خارجی‌اندیش که دیانت را پذیرفت با همان وضعی که خود می‌پذیرد و سیاست را منکر است، این‌ها می‌گویند: «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ»، آنچه در نهج البلاغه از وجود مبارک امیر بیان (عَلَيْهِ السَّلَام) آمده است، این است که حضرت به این خوارج فرمود: درست است که «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» ولی شما برداشت بد دارید، می‌گویید: «لَا إِمْرَةَ إِلَّا لِلَّهِ»، حکومت برای خداست، این سخن درست نیست! خدا هم حاکم است، هم حُكْم، جامعه اسلامی جامعه‌ای است که باید حکومت داشته باشد، شما حکومت را منکر هستید؛ یعنی دیانت منهای سیاست، این گروه دوم آن‌که دیانت را می‌پذیرد و سیاست را نمی‌پذیرد، خارجی‌اندیش است.

۳. باور به جدایی دین از سیاست؛ در زاویه‌ی دید ایشان گروه سوم کسانی هستند که باورهای سکولاریستی دارند:

موانع عرفی شدن نظام سیاسی در اسلام براساس ... (سعید قربانی و بتول یوسفی) ۹۳

گروه سوم کسانی هستند که نشسته دین را میبینند؛ لذا دین نشسته دارند و می‌گویند به اینکه دین از سیاست جداست، سیاست از دین جداست، سیاست کاری به دین ندارد، دین کاری به سیاست ندارد. این‌ها هم دین را قبول دارند، هم سیاست را لازم می‌دانند.

۴. برتری سیاست بر دین؛ از نگاه جوادی آملی،

گروه چهارم کسانی هستند که دین را با سیاست و سیاست را با دین، هماهنگ تلقی می‌کنند، می‌گویند دین سیاست دارد، سیاست باید دینی باشد، ولی اصل را سیاست قرار می‌دهند، چنگال خشن سیاست را روی چهره مقدس دین همواره می‌کشند، از دین به نفع سیاست و به نفع جناح خود، بهره سوء می‌برند، سیاست را اصل و دیانت را به پای سیاست قربانی می‌کنند.

۵. سیاست ذیل دیانت؛ در بینش ایشان گروه پنجم افرادی هستند که به سیاست و دیانت اعتقاد راسخ دارند، ولی سیاست را در ذیل دین می‌پذیرند: «گروه پنجم کسانی هستند که دیانت را ضروری، سیاست را ضروری، رهبری سیاست را به دیانت می‌دهند، پیشوایی سیاست را به دیانت می‌دهند، تبیین عناصر اصلی سیاست را به دیانت می‌دهند (پیام آیت‌الله جوادی آملی به همایش اسلام سیاسی، ۱۳۹۵)

بررسی افکار آیت‌الله جوادی نشان می‌دهد که قائلان به جدایی دین و دنیا بنا به انگیزه‌ها، اهداف و شیوه‌های مختلفی که در تبیین نظرات خود دارند، به گروه‌های متعددی تقسیم می‌شوند:

گروه یکم؛ برخی از کسانی که تفکر سکولاریستی دارند، دین را معاذالله باطل می‌دانند و ارزش آن را تا حد افسانه پایین می‌آورند. آن‌ها با راه‌یابی دین به صحنه مسائل اجتماعی، به‌ویژه در امور سیاسی مخالفانند و آن را امری نادرست تلقی می‌کنند. این گروه، آمیزش دین با مسائل اجتماعی را مانند عجین کردن معلوم و مجهول یا اختلاط حق و باطل دانسته‌اند؛ آمیزشی که نتیجه غیرمفید در پی خواهد داشت (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۶۷)

گروه دوم؛ عده‌ای اصل دین را حق دانسته، به آن اعتقاد دارند؛ اما قلمرو دین را محدود می‌دانند. آن‌ها دین و تعالیم آن را منحصر در مسائل فردی و اخلاقی می‌دانند و کار آن را تنها تهذیب ارواح و تزکیه نفوس برمی‌شمارند. بدین جهت، وجود مسائلی همچون حکومت، اقتصاد، مدیریت و برنامه‌ریزی و... را در تعالیم دینی منتفی می‌دانند.

گروه سوم؛ برخی اصل دین را حق می‌دانند و نیز با اعتقاد به وسعت قلمرو دین، آن را برای اداره جامعه و تدبیر امور اجتماعی انسان، ثمربخش می‌دانند؛ اما معتقدند که مدیر و مدبر جامعه باید فردی معصوم باشد و افراد عادی و غیر معصوم، حق اجرای دین در جامعه را ندارند.

گروه چهارم؛ عده‌ای اصل دین را امری قدسی و مطهر دانسته، معتقدند که دخالت دین در امور دنیوی به آلوده شدن و از دست رفتن قداست آن می‌انجامد؛ چنان‌که در طول تاریخ، هرگاه شخص یا گروهی در امور اجتماعی و حکومتی دخالت کرده، از شأن و مقام و محبوبیت وی کاسته شده، حتی به دنبال آن بدبینی و انزجار نیز به وجود آمده است. چنین دخالتی از سوی دین نیز چهره قدسی و تعالی او را از بین خواهد برد و مردم نسبت به آن بدبین می‌شوند و طهارت و ارزش دین، مخدوش و آلوده می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۶۷).

۳. روش تحقیقات کیفی و تحلیل مضمون

تحلیل مضمون، روشی است که برای بیان واقعیت و همچنین برای تبیین آن کاربرد دارد. البته لازم است به سبب ماهیت تفسیری روش تحلیل مضمون، به روایی و پایایی آن توجه زیادی شود و به همین سبب روش مذکور در قیاس با روش‌های کیفی دیگر، زمان و دقت بیشتری نیاز دارد. اگرچه انعطاف‌پذیری، مزیت تحلیل مضمون می‌باشد، لکن می‌تواند دارای عیب باشد؛ زیرا راهنمایی‌های خاصی جهت تحلیل‌های سطح بالاتر نمی‌دهد؛ از این جهت محقق اغلب به ناچار خودش تصمیم می‌گیرد که به چیزی در داده‌ها متمرکز شود. عیب دیگر تحلیل مضمون در قیاس با روش‌های تحلیل کیفی دیگر این است که برخلاف روش‌های شرح‌حال‌نویسی یا تحلیل روایت، محقق حالت استمرار و تناقض موجود میان داده‌ها را نمی‌تواند حفظ کند و این ناهمخوانی‌ها و تناقض‌های میان داده‌ها ممکن است که نشان داده شود. لذا، برخلاف روش‌های تحلیل گفتمان یا تحلیل محتوای، تحلیل مضمون ساده به پژوهش‌گر اجازه نمی‌دهد تا درباره زبان به کار گرفته شده در متن، ادعاهایی داشته باشد. تحلیل مضمون به روش‌های مختلفی قابل استفاده و اجرا است (درخشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۴-۵۳).

۴. مراحل روشن تحلیل مضمون

۱.۴ تحویل متن و استخراج مضامین پایه‌ای

برای شروع کار تحلیل مضامین در اندیشه متفکران لازم است مضمون‌های پایه استخراج شود و نخستین مرحله، تحویل متن است. در این مرحله، نقل قول‌های مربوط به آیت‌الله جوادی آملی مربوط به موانع عرفی شدن حکومت اسلامی استخراج می‌شود. این مضامین در کدهایی سازماندهی می‌شوند که با عنوان مضامین پایه‌ای شناخته می‌شوند. این مضامین برای شکل‌گیری مضامین فراگیر لازم هستند و اگر روند استخراج کدها و مضامین عام به‌خوبی انجام نشود، بستر استخراج مضامین فراگیر فراهم نمی‌شود. نقل قول‌های استخراج‌شده از متن آثار متفکر مورد نظر، مطالبی را مستقیماً به ذهن متبادر می‌کند که با استخراج مضامین این نقل قول‌ها، بسترهای ورود به مرحله دوم فراهم می‌شود.

۲.۴ تبدیل مضامین پایه به مضامین فراگیر

در مرحله دوم تحلیل مضمون، مضامین پایه‌ای به مضامین فراگیر تبدیل می‌شوند. در این مرحله، مضمون‌های سازمان‌دهنده از مضامین استخراج‌شده از مرحله تحویل متن نیز انتزاع می‌شوند. اقدام اساسی در این مرحله، سازماندهی مجدد مضامین اولیه برای ارائه مضامین انتزاعی‌تر است که فرصت دست‌یابی به مضامین اصلی و فراگیر را فراهم می‌آورد. مضامین فراگیر نیز اصلی، مرکزی و جامع‌تر نسبت به مضامین مرحله اول می‌باشد و امکان توصیف شبکه مضامین را فراهم می‌آورد.

۳.۴ کشف و توصیف شبکه مضامین

بعد از استخراج مضامین پایه و فراگیر در مرحله اول و دوم تحلیل مضمون، فضای لازم برای توصیف و تشریح مضامین مربوط به موانع عرفی شدن حکومت اسلامی در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی فراهم می‌شود. با بررسی مضامین استخراج‌شده و کدگذاری‌های لازم، شبکه مضامین تشریح و توصیف می‌شود. در انتهای این مرحله، مجموعه مضامین مندرج در جداول تحلیل مضمون به‌صورت تحلیلی ارائه می‌شود و نمودار شاخص شبکه مضامین ارائه می‌شود.



شکل ۱. ساختار شبکه مضمونی (درخشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۵)

۱. تحویل متن و استخراج مضامین پایه

در این بخش، متون آیت‌الله جوادی آملی در باب موانع عرفی شدن نظام سیاسی مورد بررسی و مضامین پایه در جدول زیر استخراج می‌شود تا بسترهای شکل‌گیری مضمون‌های سازمان‌دهنده فراهم شود. به دلیل حجم بالای متون مورد بررسی، در این بخش صرفاً بخشی از تحویل متون ارائه می‌شود تا از افزایش حجم رساله جلوگیری شود.

<p>تعالی احکام دینی در نظام سیاسی اسلام در گرو مسئله ولی فقیه است و دشمنان مترصد نابودی این اصل هستند.</p> <p>ولی فقیه نقش مهمی در پاسخگویی به شبهات دینی دارد و ستون محکم نظام اسلامی است.</p>	<p>مسئله ولایت فقیه، یکی از مهم‌ترین مسائل جامعه اسلامی است که بحث و گفتگو درباره آن، از دو جهت ضروری است: اول آنکه ولایت فقیه سنگ بنای نظام جمهوری اسلامی است و بر هر فرد مسلمان و انقلابی لازم است این اصل اساسی را خوب بشناسد و سپس برمدار آن حرکت کند و دوم اینکه دشمنان اسلام و انقلاب فهمیده‌اند که ظلم‌ستیزی انقلاب و نظام اسلامی، از این اصل مهم و مترقی سرچشمه گرفته است و برای منحرف ساختن چنین نظام و انقلابی، باید به قلب نیرو دهنده و ستون استوار آن هجوم برند و به همین جهت است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در هر زمان مناسب، شبهاتی در زمینه این اصل بی‌بدیل مطرح گشته است.</p>	<p>۱</p>
<p>ولی فقیه نماد پیوند دین و سیاست است.</p> <p>برای رسیدن به سعادت حقیقی باید عبودیت الله را انجام داد و هرگز عبودیت اغیار را نپذیرفت. اجتناب از عبودیت غیر خدا یکی از ملزومات تعالی نظام اسلامی است که همگان باید نسبت به آن هوشیار باشند.</p>	<p>عبودیت انسان برای خداوند، او را نسبت به غیر خداوند آزاد می‌سازد و پس از آن، هرگز برده و بنده درون و بیرون خود نخواهد بود. فطرت توحیدی انسان، دو چیز را فتوا می‌دهد؛ یکی بنده خدا بودن و دیگری آزاد از غیر او گشتن؛ زیرا اگر انسان، عبد محض خالق خود باشد و همه عبودیت خویش را به خداوند اختصاص دهد، بی‌شک زمینه‌ای برای عبودیت و بندگی غیر خدا نمی‌ماند.</p>	<p>۲</p>

موانع عرفی شدن نظام سیاسی در اسلام بر اساس ... (سعید قربانی و بتول یوسفی) ۹۷

<p>امور مقدس در تمامی حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... حضور دارند.</p>	<p>امور مقدس را نباید تنها در عبادت و نیایش کلیساها و مساجد جست‌وجو کرد و گستره مفهوم تقدس، فراتر از آن چیزی است که بعضی در ذهن خود تصور می‌کنند و امور دنیوی را کاملاً از آن‌ها جدا می‌دانند؛ مثلاً توزیع ثروت، تهیه امکانات اقتصادی ملت، ارائه خدمات بهداشتی و درمان، حفظ امنیت داخلی و خارجی، رعایت اصول زیست‌محیطی و جلوگیری از تخریب محیط‌زیست جامعه و... همگی می‌تواند دینی و قدسی باشد؛ به این صورت که عادلانه، عاقلانه و با تقدیم مصالح ملی بر منافع شخص انجام شود و نیز همگی برای تحصیل قرب و رضای الهی باشد.</p>	<p>۳</p>
<p>قدسی دانستن زندگی می‌تواند تأکید بر عنصر دین برای تأمین مصالح فردی و اجتماعی داشته باشد.</p>		
<p>تأکید قرآن کریم بر اطلاعات از اوامر الهی برای دستیابی به سعادت است.</p>	<p>بسیاری از آیات تصریح دارند که سعادت و رستگاری در جامعه اسلامی، مرهون اطاعت و پیروی از تعالیم الهی است. جامعه‌زمانی روی رستگاری را خواهد دید که به حق روی آورد و از باطل بیزاری جوید.</p>	<p>۴</p>
<p>رستگاری اجتماع اسلامی به اطلاعات از دین بستگی دارد.</p>		
<p>اطلاعت از معبود عامل آزادی حقیقی انسان خواهد شد.</p>	<p>اسلام تنها مکتبی است که به انسان آزادی واقعی بخشید، طاعت از خالق موجب حریت و هرگونه مخالفت با خدا مایه ذلت و ضلّت است. طاعت خدا با اطاعت از هوا سازگار نیست. گمراهی آشکار در عدم طاعت و عصیان و شرک به پروردگار است و هدایت و طریق مستقیم انسان در گرو طاعت و عبادت در ادب و رفتار است. و گام نهادن در این مسیر انسان را در زمره انبیا و اولیا قرار داده و مقام او را ارتقاء می‌بخشد.</p>	<p>۵</p>
<p>رسالت پیامبر گرامی اسلامی، توسعه اطلاعات همگان از احکام الهی برای رسیدن به مرحله هدایت و دوری از شقاوت است.</p>		
<p>ذلت و گمراهی امت اسلامی ناشی از مخالفت با اوامر الهی است.</p>		
<p>سعادت جامعه در گرو دو اصل عدل و توحید است.</p>	<p>دو اصل توحید و عدالت می‌توانند کشتی حیات جامعه را به ساحل نجات برسانند پس این سخن جامعه‌شناسان که دین بر اقامه عدالت اجتماعی و اجرای قسط و برابری تأکید دارد و سایر دستورها از قبیل نماز و روزه و حج و زکات از شاخه‌ها و فروع آن‌اند، سخن نادرستی است، زیرا بر پایه آیات یادشده تأکید دین بر اصل توحید بیش از اهتمام آن به امور دیگر است.</p>	<p>۶</p>
<p>انحطاط جهان اسلامی ناشی از پشت کردن به اصل توحید و عدالت است.</p>		
<p>پرداختن به مبانی اسلامی همچون توحید عامل حاکمیت دین خواهد بود.</p>		
<p>پیشرفت و سعادت در گرو استواری حیات اجتماعی بر پایه توحید است.</p>	<p>در مقابل، اسلام، زندگی اجتماعی استوار بر اصل توحید را عامل سعادت و پیشرفت می‌خواند و اندکی دقت در تعالیم اسلام معلوم می‌سازد که تمام قوانین اسلامی بر اساس توحید وضع شده‌اند. هرگونه روابط انسانی در حیات اجتماعی از قبیل روابط فرهنگی و تربیتی، مشارکت تجاری و اقتصادی، قراردادهای سیاسی و نظامی بر مبنای همین اصل</p>	<p>۷</p>
<p>تمامی قوانین نظام باید مبتنی بر توحید وضع شوند.</p>		

<p>روابط انسانی در نظام سیاسی اسلام براساس عدل و توحید تنظیم می شود.</p>	<p>تنظیم شده اند... پس توحید جامع همه تعالیم الهی است. اگر روابط زندگی بر پایه توحید قرار گیرد، نمی توان مدار زندگی را به دنیای مادی محدود دانست و هر نوع بهره کشی نیرومندان از ضعیفان را تجویز کرد.</p>
<p>توحید باوری عامل نجات از استعمار و بهره کشی دشمنان خواهد بود.</p>	
<p>بدبختی و انحطاط مسلمین ناشی از دوری امت از توحید و عدالت است.</p>	
<p>نیاز به دین در جامعه نشان می دهد که درک صحیح از آن امری ضروری است.</p>	<p>۸ چون انسان به دین رجوع می کند و بلکه باید به دین رجوع کند، شایسته است که حقیقت انسان و ابعاد وجودی و نیازهای او را بشناسیم، وقتی انسان، حقیقت خود و نیازهایش را شناخت، می فهمد که به دین نیازمند است تا به خواسته های صادق و حقیقی او پاسخ دهد.</p>
<p>دین پژوهی عامل جلوگیری از انحراف آموزه های وحیانی می شود.</p>	
<p>درک پیام حقیقی دین مانع انحراف فرد و جامعه می شود.</p>	<p>۹ روشن است که آشنایی مردم نسبت به حقایق دینی و الهی، بسیار ارزشمند است و اساساً هدف از ارسال رسولان و بعثت پیامبران الهی، این بوده است که مردم، حقیقت دین را به خوبی درک کنند و به صراط مستقیم رهنمون شوند. بنابراین، فهم درست مردم از دین و نیز استقبال و هدایت مردم، بسیار مهم و حائز اهمیت و ارزش است.</p>
<p>درک صحیح دین توسط مردم منجر به هدایت آنها است و مانع دوری آنها از امر و حیانی می شود.</p>	
<p>سیره امام خمینی (ره) نشان می دهد که اهتمام به امور جامعه انسانی منافاتی با کسب رضایت الهی ندارد.</p>	<p>۱۰ امام راحل برای هدم جاهلیت طاغوت و کشف نقاب از چهره ملکوتی اسلام ناب محمدی (ص) چهار عنصر اساسی انقلاب را که به مثابه ارکان چهارگانه بنیان مرصوص اسلامی است، به خوبی شناخته و به آنها ایمان آورده و شرایط تحقق آنها را تحصیلی دانسته؛ نه حصولی و وجوب نهضت را درباره آنها مطلق دانسته؛ نه مشروط؛ لذا در تحصیل آنها از هیچ ایثاری دریغ نکرده و از هیچ نثاری مضایقه نفرمود؛ هدف امام راحل جز رضای خدا و احیای کلمه غلبای الهی نبود؛ اهتمام به امور مسلمین، از ویژگی های امام خمینی بود.</p>
<p>تقوا مداری عامل نزول برکت و کسب نعمت های مادی و معنوی می شود.</p>	<p>۱۱ فرمود اگر مردم سرزمینی اهل ایمان باشند اهل تقوا باشند ما برکات زمین و آسمان را نازل می کنیم ما اگر مشکل داخلی نداشته باشیم با خودمان بسازیم با هم نوعمان بسازیم با خدایمان رابطه داشته باشیم هیچ تهدیدی کارساز نیست نمی تواند ما را از پا در بیاورد روزی ما به دست غرب نیست روزی ما به دست شرق نیست فرمود شما با تقوا باشید روزی شما به عهده من.</p>
<p>تقوا عامل مقاومت و ایستادگی در برابر دشمنان شرقی و غربی است.</p>	
<p>جاهلیت یک آفت در عرصه تمدنی است و برای تعالی</p>	<p>۱۲ مهم ترین هدف حکومت اسلامی در بخش فرهنگی به معنای جامع، جهالت زدایی و ضلالت رویی است؛ تا با برطرف شدن جهل و نادانی، علم، کتاب و</p>

<p>اجتماعی لازم است تا جهل زدایی انجام شود.</p>	<p>حکمت جایگزین گردد و با برطرف شدن ضلالت و گمراهی اخلاقی و انحراف عملی، تزکیه و تهذیب روح جانشین شود و در آیه مزبور و مانند آن که اهداف و برنامه‌های زمامداران اسلامی مطرح می‌شود، جریان تعلیم جهت جهل زدایی و جریان تزکیه برای ضلالت رویی از شاخصه‌های اصلی آن قرار دارند و آیه مزبور، جامعه آمی و نادان و بی‌سواد را به فراگیری دانش تشویق می‌کند تا از امی بودن برهند و به عالم و آگاه شدن برسند و نیز جامعه گمراه و تبهکار را به طهارت روح فرامی‌خواند تا از بزهکاری برهند و به پرهیزکاری و وارستگی بار یابند. البته مردم آگاه و وارسته توان تأسیس مدینه فاضله و حفظ آن را خواهند داشت.</p>	
<p>جاهلیت و ضلالت از عوامل اصلی انحطاط اجتماع انسانی است و باید مرتفع شود. تزکیه و تهذیب برای مهار جهالت مدرن و سستی امری لازم است.</p>		
<p>برای جهل زدایی، نظام تعلیم و تربیت باید به‌خوبی فعالیت نماید.</p>		
<p>جهالت مانع تمدن سازی و تشکیل اجتماع پویا می‌شود و باید با پرهیزکاری به سمت تأسیس مدینه گام برداشت.</p>		
<p>امر به معروف و نهی از منکر اصلی همگانی است.</p>	<p>۱۳ امر به معروف و نهی از منکر، امری ملئی، مصمم و جزمی است که با عزم همه مردم همراه است.</p>	
<p>عزم ملی برای رشد امر به معروف و نهی از منکر لازم است.</p>		
<p>سعادت و پیشرفت فرد و جامعه در گرو اصل امر به معروف و نهی از منکر است.</p>	<p>۱۴ از اصول ارتقا و پایه پیشرفت و پویایی جامعه، اصل امر به معروف و نهی از منکر است. لازم تربیت صحیح، انجام دادن این دو اصل است.</p>	
<p>عمل به امر به معروف و نهی از منکر یک اصل همگانی است.</p>		
<p>اسلامی شدن علوم و دانشگاه‌ها یکی از ملزومات نظام اسلامی است.</p>	<p>۱۵ ثمره دیگر این بحث ارائه تصویری معقول از مقوله اسلامی شدن علوم و دانشگاه‌هاست. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، همواره یکی از دغدغه‌های دولت و ملت، اسلامی شدن دانشگاه‌ها بوده و هست و در این راه تلاش‌های زیادی نیز صورت پذیرفته است... اسلامی شدن دانشگاه‌ها نیز به آن است که نگاه به محتوای علمی دروس آن‌ها عوض شود و علوم دانشگاهی اسلامی گردد.</p>	
<p>اسلامی شدن دروس دانشگاهی می‌تواند به ترویج معارف و فرهنگ اسلامی کمک شایانی نماید.</p>		
<p>اسلامی شدن دانشگاه‌ها چیزی فراتر از ظواهر است و تأکید بر محتوای دینی در امور علمی و دانشگاهی دارد.</p>		

<p>یکی از ویژگی‌های جامعه اسلامی، اخلاص فردی و اجتماعی است.</p> <p>خلوص نیت از ملزومات رفتار اسلامی است.</p>	<p>۱۶</p> <p>اخلاص، یعنی انسان قلب خود را مخصوص حق کند تا احدی جز مقاب‌القلب در حرم دل او راه نیابد و هر کاری را که انجام می‌دهد، فقط آن را برای خدا انجام دهد.</p>
<p>دوری از جریانات انحرافی و توجه به صراط مستقیم، جریانات حق را مستحکم می‌سازد.</p> <p>دوری از التقاط و انحراف عملی در راستای وصول مقاصد معین اسلامی است.</p>	<p>۱۷</p> <p>سرّ پرهیز از معاضدت گروه‌های انحراف، آن است که برای وصول به حق و وسیله‌ای جز صراط مستقیم و حقیقی نیست؛ زیرا بین هدف و وسیله یعنی بین مقصد و راه ربط خاص وجودی برقرار است، چنان‌که نه با هر وسیله و راهی به هر هدف و مقصد می‌توان رسید و نه برای وصول به مقصد معین می‌توان از هر وسیله‌ای استمداد کرد؛ یعنی هدف معین، راه مشخص می‌طلبد و راه معین به هدف مشخص می‌رسد و هرگز هدف، وسیله را تبریر و توجیه نمی‌کند.</p>
<p>برای گزینش نیروهای حکومتی باید افرادی که عادل و حامی اسلام هستند برگزیده شود.</p> <p>نباید منحرفین فکری و دارای عقاید التقاطی را در رأس نظام اسلامی قرارداد.</p>	<p>۱۸</p> <p>امام راحل نه تنها در نهان خود هدفی جز تحصیل حدود معطل و تحریک احکام راکد اسلام نداشت بلکه کسانی را به یاری می‌طلبید یا پیشنهاد مساعدت آن‌ها را می‌پذیرفت که امام گونه بودند و مقصدی جز جذب جمال الهی نداشتند و هرگز فرد یا گروهی که در براندازی نظام طغیان و سلطه یا راه‌اندازی نظام قسط و عدل، هوس مدارانه مبارزه می‌کردند یا خود خواهانه می‌اندیشیدند به یاری نمی‌طلبید... و اجازه نمی‌داد قیام خالصانه مسلمانان با حضور برخی افرادی که انحراف فکری یا التقاط عقیدتی یا فساد اخلاقی دارند، مشوب و آلوده گردد.</p>
<p>جامعه اسلامی ممکن است با تحریف معنوی و لفظی مواجه شود.</p> <p>تفسیر به رای یکی از عوامل رشد افکار انحرافی در جامعه دینی است.</p> <p>در جامعه اسلامی، افراد باید از تحریف در امان باشند</p>	<p>۱۹</p> <p>تحریف دو قسم اساسی دارد: معنوی و لفظی. در تحریف معنوی، تحریف‌کننده بدون کمترین دخل و تصرف در ساختار الفاظ و عبارت‌های قرآن، آن‌ها را براساس پیش‌فرض‌های باطل خود و به منظور تقویت آن‌ها تفسیر می‌نماید و در حقیقت، نگرش خود را بر قرآن تحمیل کند؛ نه نگارش خویش را و معنایی مخالف مراد جدی خداوند به دست می‌دهد. از آنجاکه تحریف‌کننده، معنای آیه را از بستر صحیح و شایسته آن خارج ساخته، آن را در مفهومی کناره تفسیر می‌کند، به کارش تحریف اطلاق شده است.</p>
<p>رها کردن تبیین‌های انحرافی از اسلام عامل تعالی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی امت اسلامی است.</p>	<p>۲۰</p> <p>اسلام، کلید معمای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی روزگار ماست؛ مشروط بر این‌که تفسیرهای دل‌خواسته و تبیین‌های انحرافی این عصر را رها کرده، تمام توجه را به منبع لایزال وحی الهی معطوف داریم.</p>
<p>تفکر دینی لازمه بهره‌مندی سعادت گونه از طبیعت و جامعه است.</p>	<p>۲۱</p> <p>روشن است که هر چه معرفت دینی به خود دین نزدیک‌تر و با آن مطابق‌تر باشد، سهم بیشتری از حیات خواهد داشت؛ لذا هراندازه تفکر دینی زنده شود، جامعه انسانی نیز به همان میزان زنده خواهد شد.</p>

موانع عرفی شدن نظام سیاسی در اسلام بر اساس ... (سعید قربانی و بتول یوسفی) ۱۰۱

<p>احیای تفکر دینی برای پیشرفت جهات انسانی و الهی لازم است.</p>		
<p>احیای تفکر دینی در مقابل عرفی سازی، نیازمند دین شناسان راستین است.</p>	<p>احیای تفکر دینی تنها توسط دین شناس دین باور میسر است؛ زیرا نادان که خود حیات دینی ندارد یا دیندان، اگرچه نسبت به دین دانا بوده ولی دارای آن نباشد، هرگز توان احیای معرفت دینی را ندارد.</p>	۲۲
<p>علم نافع می تواند مانع تفکرات مادی در جامعه باشد و احیای معرفت دینی برای افراد را به همراه دارد.</p>		
<p>فعالیت اندیشمندان مسلمان مانع رشد تفکرات انحرافی شده و منجر به غنای موارث فرهنگی جامعه دینی خواهد شد.</p>	<p>مقابله و رویارویی فکری برای مکتب و اندیشه‌ای که به حقیقت دل بسته است نه تنها آسیبی را به دنبال نمی آورد، بلکه باعث رشد و شکوفایی بیشتر آن می شود و بر همین اساس اندیشمندان مسلمان باید با حضور در عرصه فکری نوین، از فرصت به دست آمده استفاده لازم را برده، بر غنای موارث فرهنگی جامعه دینی می افزایند.</p>	۲۳
<p>اختلاف و تفرقه عامل تباهی نظام اسلامی و رشد جریان های ضد اسلامی خواهد شد.</p>	<p>اتحاد و انسجام افراد جامعه عامل صعود و اختلاف سهمگین ترین سبب انحطاط و سقوط جامعه است، به همین دلیل اسلام در دعوت افراد به هر دو موضوع بسیار تأکید ورزیده و اتحاد را مایه اعتلا و عزت جامعه و اختلاف و تفرقه را خذلان و خفتزا می داند.</p>	۲۴
<p>سعدت امت اسلامی در گرو اتحاد و وحدت اسلامی است که از جمله دستاوردهای آن، دفع شر دشمنان داخلی و خارجی است.</p>	<p>وحدت دینی عامل بقای نظام دینی و رسیدن به آرمان های ملی و برداشتن موانع پیشرفت است، از این رو برای ایجاد و حفظ آن باید تلاش فراوان کرد.</p>	۲۵
<p>وحدت دینی عامل بقای نظام دینی و رسیدن به آرمان های ملی است.</p>	<p>اتحاد از مهم ترین علل پیروزی است و مقصود از آن، صرف گردهمایی صوری و حضور در صحنه نیست، بلکه گذشته از اجتماعات صوری و ظاهری، لازم است دل ها به هم مرتبط و جان ها با یکدیگر منسجم باشند و این اتحاد، وقتی دائمی و بی نقص خواهد بود که برای رضای خدا و بر محور حق قرار گیرد.</p>	۲۶
<p>اتحادی در نظام اسلامی مدنظر است که فوایدی از مسائل مادی، مبتنی بر رضای خداوند باشد.</p>	<p>اصل وجود ولایت قطعی است. اما آنچه لازم است، آن است که انسان چه در ولای یک جانبه و چه در ولای دو جانبه، باید هوشیار بوده و دقیق و حساب شده عمل کند و بداند تحت ولایت چه کسی قرار می گیرد و چه کسی را ولی خود اتخاذ می کند. برای تحقق بخشیدن به این هوشیاری لازم است، به یافته های عقلانی و ره آورد وحیانی توجه کرده و از آن ها رهنمود بگیرد.</p>	۲۷
<p>هوشیاری نسبت به امر ولایت یکی از بایسته های نظام دینی است.</p>		
<p>گزینش و انتخاب رهبر باید مبتنی بر هوشیاری و درایت باشد تا از سقوط و تباهی جامعه جلوگیری نماید.</p>		

<p>بیداری ملت و هوشیاری آنها نسبت به مسائل جهان اسلام و امر ولی فقیه عامل مقابله با عناصر ضدکدین است.</p>	<p>بیداری مردم، نگهبان خوبی برای صیانت از دستاوردهای انقلاب اسلامی است؛ چه اینکه خفتگی آنان سبب تهاجم بیگانگان خواهد بود و میزان بیداری هر امت، مرهون مقدار هوشیاری آنان است و به قدر هوشیاری خود، در ستیز با مهاجمان ضدکدین موفق خواهند بود.</p>	<p>۲۸</p>
<p>تعلیم و تربیت صحیح عامل رشد جامعه انسانی و اسلامی خواهد بود.</p>	<p>سرّ لزوم تولید دینی آن است که هرگز وجود کتبی احکام دین در ذخایر علمی و کتابهای مخزن و نیز وجود لفظی آنها در کرسی‌های تدریس و تعلیم و تبلیغ و وعظ و افتای صرف، حیات بخش جامعه انسانی نخواهد بود؛ چنانکه با صرف وجود ذهنی آنها در افکار عالمان دین، جامعه بشری متمدن نمی‌شود و نیز با شهود عارفانه اهل معرفت هم زندگی توده مردم به صلاح و فلاح و نجات نمی‌رسد. زیرا گرچه شهود عارفانه احکام و قوانین و معارف الهی به نوبه خود وجود خارجی است، نه کتبی و نه لفظی و نه ذهنی چون شهود صائب با عین خارجی هماهنگ است لیکن این وجود عینی از محدوده هستی خاص عارف تجاوز نمی‌نماید و هرگز صحنه وسیع جوامع بشری را به نور خود روشن نمی‌کند. لذا وجود یک متولی متعهد سیاس لازم است.</p>	<p>۲۹</p>
<p>مسئولان باید به صرف مسئولانه به نشر احکام و قوانین اسلامی در جامعه بپردازند.</p>	<p>مسئول و متولی نشر معارف دین، باید مطالب دین را خوب بفهمد و به آن معتقد باشد و به درستی به آن عمل کند تا از این طریق، موجب گرایش دیگران به دین شود.</p>	<p>۳۰</p>
<p>نشر معارف دینی یکی از مسائل راهبردی برای مسئولان نظام اسلامی است.</p>	<p>مردمی که از وجود عالم در میان خود بی بهره باشند، از معارف اصیل دور می‌گردند و فریب هرگونه تبلیغ سوء را می‌خورند.</p>	<p>۳۱</p>
<p>تربیت صحیح مانع تاثیرگذاری بر افکار و اندیشه جوانان می‌شود.</p>	<p>دسترسی به قدرت و حاکمیت سیاسی در جامعه انسانی، اگر با خلوص نیت و پاکی باطن همراه باشد، می‌تواند در جامعه خاستگاه بسیاری از برکات و خیرات گردد و سعادت دنیا و آخرت را برای مردم به ارمغان آورد. این آثار زمانی تحقق می‌یابند که زمامداران سیاسی به قدرت و حکومت نگاه ابزاری داشته و خود را نه برتر از مردم بلکه خادم آنان دانسته و محدودهای برای خویش و عاملان خود تعیین نکنند تا طبقه‌ای در جامعه شکل گیرد. پیام مهم سیاسی اسلام این است که چنین حاکمانی را تربیت کند و در رأس قدرت سیاسی بنشانند.</p>	<p>۳۲</p>
<p>فعالیت‌های حاکمیتی باید مبتنی بر اخلاص و خلوص نیت باشد تا جامعه در مسیر سعادت قرار بگیرد و نگرش ابزاری به انسان‌ها از بین برود.</p> <p>تربیت حاکمان و نیروی انسانی با صداقت لازمه تعالی حکومت است و می‌تواند تفکرات مادی گرایانه غربی در حوزه حکمرانی را مدیریت نماید.</p>		

۲. تبدیل مضامین اولیه به مضامین فراگیر

در این بخش، مضامین استخراج شده پایه در بخش قبل، به مضمون‌های سازمان دهنده و فراگیر تبدیل می‌شوند و از طریق این مضامین، بسترهای کشف و توصیف مضامین موانع عرفی شدن فراهم می‌شود.

موانع عرفی شدن نظام سیاسی در اسلام براساس ... (سعید قربانی و بتول یوسفی) ۱۰۳

قدسی دانستن زندگی انسان	۱	امور مقدس در تمامی حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... حضور دارند.
	۲	قدسی دانستن زندگی می‌تواند تأکید بر عنصر دین برای تأمین مصالح فردی و اجتماعی داشته باشد.
	۳	تأکید قرآن کریم بر اطلاعات از اوامر الهی برای دست‌یابی به سعادت است.
	۴	رستگاری اجتماع اسلامی به اطاعت از دین بستگی دارد.
	۵	اطاعت از معبود عامل آزادی حقیقی انسان خواهد شد
	۶	رسالت پیامبر گرامی اسلامی، توسعه اطاعت همگان از احکام الهی برای رسیدن به مرحله هدایت و دوری از شقاوت است.
	۷	ذلت و گمراهی امت اسلامی ناشی از مخالفت با اوامر الهی است.
توحید و عدالت مانع توسعه تفکرات سکولار	۸	سعادت جامعه در گرو دو اصل عدل و توحید است.
	۹	انحطاط جهان اسلامی ناشی از پشت کردن به اصل توحید و عدالت است.
	۱۰	بی‌توجهی انسان‌ها به مبانی توحید و عدل، عامل ترویج عرفی شدن خواهد شد و در نقطه مقابل، پرداختن به مبانی اسلامی همچون توحید عامل حاکمیت دین خواهد بود.
	۱۱	پیشرفت و سعادت در گرو استواری حیات اجتماعی بر پایه توحید است.
	۱۲	تمامی قوانین نظام باید مبتنی بر توحید وضع شوند.
	۱۳	روابط انسانی در نظام سیاسی اسلام براساس عدل و توحید تنظیم می‌شود.
	۱۴	توحید باوری عامل نجات از استعمار و بهره‌کشی دشمنان خواهد بود.
	۱۵	بدبختی و انحطاط مسلمین ناشی از دوری امت از توحید و عدالت است.
درک حقیقت دین	۱۶	نیاز به دین در جامعه نشان می‌دهد که درک صحیح از آن امری ضروری است.
	۱۷	دین‌پژوهی عامل جلوگیری از انحراف آموزه‌های وحیانی می‌شود.
	۱۸	تبیین ادله عقلی و نقلی دین می‌تواند شناخت صحیح انسان را فراهم آورد و بسترهای جلوگیری از عرفی شدن در اندیشه افراد را بگیرد.
	۱۹	درک پیام حقیقی دین مانع انحراف فرد و جامعه می‌شود.
	۲۰	درک صحیح دین توسط مردم منجر به هدایت آنها است و مانع دوری آنها از امر و حیانی می‌شود.
	۲۱	سیره امام خمینی(ره) نشان می‌دهد که اهتمام به امور جامعه انسانی منافاتی با کسب رضایت الهی ندارد.
تقوا امداری	۲۲	تقوا مداری عامل نزول برکت و کسب نعمت‌های مادی و معنوی می‌شود.
	۲۳	تقوا عامل مقاومت و ایستادگی در برابر دشمنان شرقی و غربی است.
جهل زدایی در حکومت دینی	۲۴	جاهلیت یک آفت در عرصه تمدنی است و برای تعالی اجتماعی لازم است تا جهل زدایی انجام شود.
	۲۵	جاهلیت و ضلالت از عوامل اصلی انحطاط اجتماع انسانی است و باید مرتفع شود. تزکیه و تهذیب برای مهار جهالت مدرن و ستی امری لازم است.
	۲۶	برای جهل زدایی، نظام تعلیم و تربیت باید به‌خوبی فعالیت نماید.

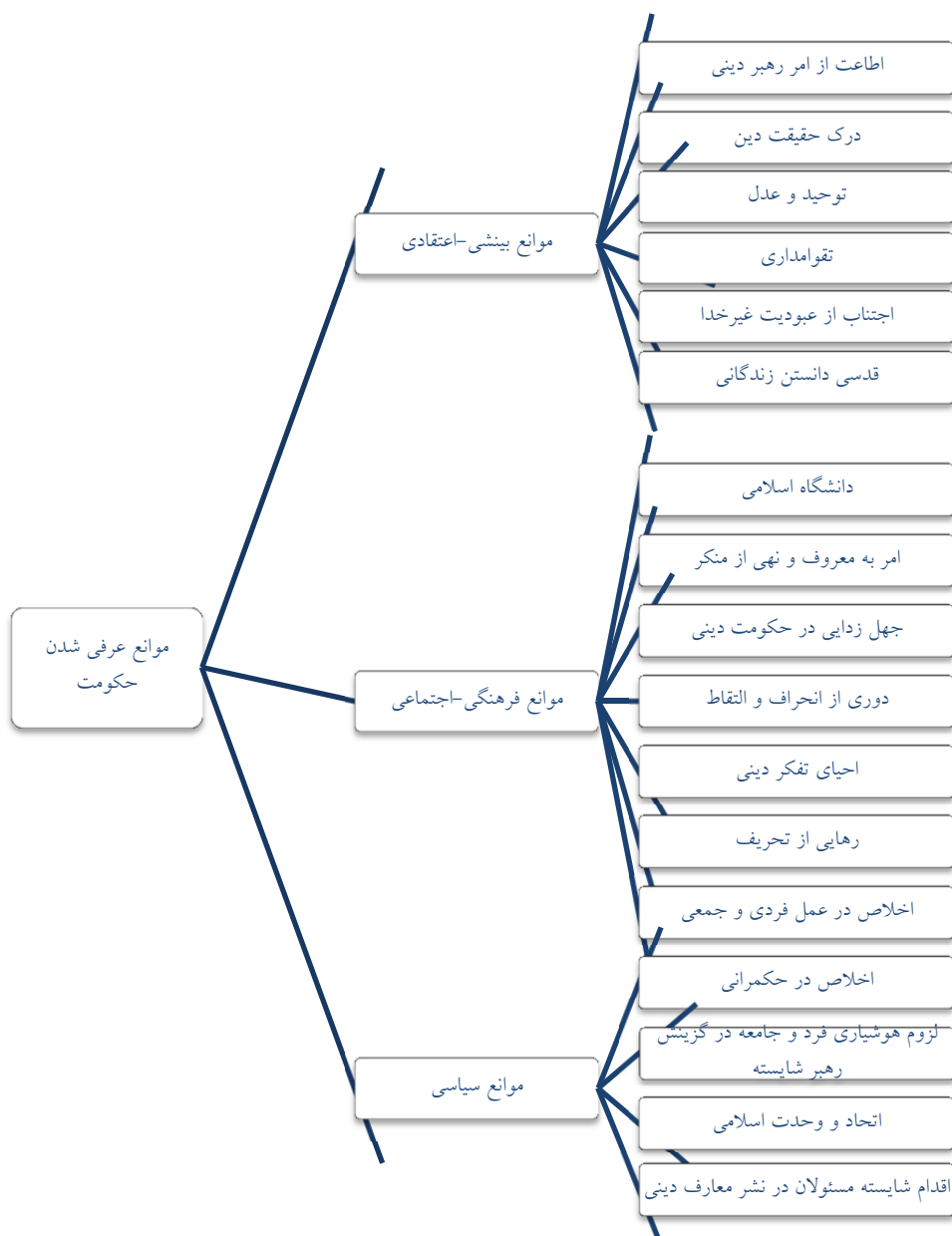
	۲۷	جهالت مانع تمدن سازی و تشکیل اجتماع پویا می‌شود و باید با پرهیزکاری به سمت تأسیس مدینه گام برداشت.
امر به معروف و نهی از منکر	۲۸	امر به معروف و نهی از منکر اصلی همگانی است.
	۲۹	عزم ملی برای رشد امر به معروف و نهی از منکر لازم است.
	۳۰	دوری از امر به معروف و نهی از منکر عامل سرپرستی فاسقان در جامعه اسلامی خواهد شد.
	۳۱	ترک اصل راهبردی امر به معروف و نهی از منکر عامل مشکلات زیادی در جهان اسلام خواهد بود.
	۳۲	سعادت و پیشرفت فرد و جامعه در گرو اصل امر به معروف و نهی از منکر است. عمل به امر به معروف و نهی از منکر یک اصل همگانی است.
دانشگاه اسلامی	۳۳	اسلامی شدن علوم و دانشگاه‌ها یکی از ملزومات نظام اسلامی است.
	۳۴	اسلامی شدن دروس دانشگاهی می‌تواند به ترویج معارف و فرهنگ اسلامی کمک شایانی نماید.
	۳۵	اسلامی شدن دانشگاه‌ها چیزی فراتر از ظواهر است و تأکید بر محتوای دینی در امور علمی و دانشگاهی دارد.
اخلاص در عمل فردی و جمعی	۳۶	یکی از ویژگی‌های جامعه اسلامی، اخلاص فردی و اجتماعی است.
	۳۷	خلوص نیت از ملزومات رفتار اسلامی است.
	۳۸	دوری از جریان‌ات انحرافی و توجه به صراط مستقیم، جریان‌ات حق را مستحکم می‌سازد.
دوری از انحراف و التقاط	۳۹	دوری از التقاط و انحراف عاملی در راستای وصول مقاصد معین اسلامی است.
	۴۰	برای گزینش نیروهای حکومتی باید افرادی که عادل و حامی اسلام هستند برگزیده شود.
	۴۱	نباید منحرفین فکری و دارای عقاید التقاطی را در رأس نظام اسلامی قرارداد.
	۴۲	جامعه اسلامی ممکن است با تحریف معنوی و لفظی مواجه شود.
	۴۳	تفسیر به رأی یکی از عوامل رشد افکار انحرافی در جامعه دینی است.
	۴۴	در جامعه اسلامی، افراد باید از تحریف در امان باشند
	۴۵	رها کردن تبیین‌های انحرافی از اسلام عامل تعالی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی امت اسلامی است.
احیای تفکر دینی	۴۶	تفکر دینی لازمه بهره‌مندی سعادت گونه از طبیعت و جامعه است.
	۴۷	احیای تفکر دینی برای پیشرفت جهات انسانی و الهی لازم است.
	۴۸	دوری از تفکر و اندیشه دینی، منجر به کاهش نقش دین در جامعه می‌شود.
	۴۹	احیای تفکر دینی در مقابل عرفی سازی، نیازمند دین شناسان راستین است.
	۵۰	علم نافع می‌تواند مانع تفکرات مادی در جامعه باشد و احیای معرفت دینی برای افراد را به همراه دارد.
	۵۱	فعالیت اندیشمندان مسلمان مانع رشد تفکرات انحرافی شده و منجر به غنای موارث فرهنگی جامعه دینی خواهد شد.

موانع عرفی شدن نظام سیاسی در اسلام براساس ... (سعید قربانی و بتول یوسفی) ۱۰۵

اتحاد و وحدت اسلامی	۵۲	اختلاف و تفرقه عامل تباهی نظام اسلامی و رشد جریان‌های ضد اسلامی خواهد شد.
	۵۳	سعادت امت اسلامی در گرو اتحاد و وحدت اسلامی است که از جمله دستاوردهای آن، دفع شر دشمنان داخلی و خارجی است.
	۵۴	وحدت دینی عامل بقای نظام دینی و رسیدن به آرمان‌های ملی است.
	۵۵	اتحادی در نظام اسلامی مدنظر است که فراتر از مسائل مادی، مبتنی بر رضای خداوند باشد.
لزوم هوشیاری در گزینش و انتخاب رهبری	۵۶	هوشیاری نسبت به امر ولایت یکی از بایسته‌های نظام دینی است.
	۵۷	گزینش و انتخاب رهبر باید مبتنی بر هوشیاری و درایت باشد تا از سقوط و تباهی جامعه جلوگیری نماید.
	۵۸	بیداری ملت و هوشیاری آنها نسبت به مسائل جهان اسلام و امر ولی فقیه عامل مقابله با عناصر ضد دین است.
اقدام شایسته و مسئولان در نشر معارف صحیح	۵۹	تعلیم و تربیت صحیح عامل رشد جامعه انسانی و اسلامی خواهد بود.
	۶۰	مسئولان باید به وظیفه مسئولانه به نشر احکام و قوانین اسلامی در جامعه بپردازند.
	۶۱	نشر معارف دینی یکی از مسائل راهبردی برای مسئولان نظام اسلامی است.
	۶۲	تربیت صحیح مانع تاثیرگذاری بر افکار و اندیشه جوانان می‌شود.
اخلاص در حکمرانی	۶۳	فعالیت‌های حاکمیتی باید مبتنی بر اخلاص و خلوص نیت باشد تا جامعه در مسیر سعادت قرار بگیرد و نگرش ابزاری به انسان‌ها از بین برود.
	۶۴	تربیت حاکمان و نیروی انسانی با صداقت لازمه تعالی حکومت است و می‌تواند تفکرات مادی گرایانه غربی در حوزه حکمرانی را مدیریت نماید.

۳. کشف و توصیف شبکه مضامین

بعد از استخراج مضامین پایه و فراگیر، تلاش شد تا سازمان‌دهی بین کدهای استخراج‌شده انجام گیرد و شمای کلی از موانع عرفی شدن در اندیشه آیت‌الله جوادی استخراج شود که شماتیک مضامین به قرار زیر است:



نمودار ۱. شبکه مضامین موانع عرفی شدن نظام سیاسی در اندیشه آیت الله جوادی آملی

موانع عرفی شدن نظام سیاسی در اسلام براساس ... (سعید قربانی و بتول یوسفی) ۱۰۷

جدول موانع عرفی شدن نظام سیاسی اسلام در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی

ردیف	کدها و مضامین سازمان دهنده	موانع
۱	اجتناب از عبودیت غیر خدا	بینشی اعتقادی
۲	قدسی دانستن زندگی انسان	
۳	اطاعت از اوامر الهی	
۴	توحید و عدالت‌گرایی	
۵	درک حقیقت دین	
۶	تقوا مداری	
۷	جهل زدایی در حکومت دینی	فرهنگی اجتماعی
۸	امر به معروف و نهی از منکر	
۹	دانشگاه اسلامی	
۱۰	اخلاص در عمل فردی و جمعی	
۱۱	دوری از انحراف	
۱۲	رهایی از تحریف	
۱۳	احیای تفکر دینی	
۱۴	اتحاد و وحدت	سیاسی
۱۵	لزوم هوشیاری در گزینش و انتخاب رهبری	
۱۶	اقدام شایسته و عملکرد صحیح مسئولان در نشر معارف دینی	
۱۷	اخلاص در حکمرانی	

۵. نتیجه‌گیری

از جمله متفکران جهان اسلام در رابطه با دین و سیاست و تعامل یا تناقض این دو محور به بحث و تحقیق پرداخته است، آیت‌الله جوادی آملی می‌باشد. در این پژوهش تلاش شد تا با روش منسجم تحلیل مضمون در ابتدای کار مضامین پایه از متن اصلی استخراج شود و بعد مفاهیم استنباط شده در باب موانع عرفی شدن نظام سیاسی اسلام به مضامین فراگیر تبدیل شود و سپس جهت شفاف‌سازی روند مقاله جدولی طراحی گردید و نشان داده شد که می‌توان براساس سه الگوی بینشی - اعتقادی، فرهنگی - اجتماعی و سیاسی روند تحلیل مضمون را واکاوی کرد و در انتها نیز روند کلی روش تحلیل مضمون در شبکه مضامین طراحی شد و

موانع عرفی شدن نظام سیاسی در اسلام همچون دوری از تحجر، تفسیر و تحلیل دقیق اسلام، شناخت صحیح نسبت به اسلام و استعانت از قرآن کریم در اندیشه‌ی آیت‌الله جوادی آملی بررسی شد.

از منظر آیت‌الله جوادی آملی دین و سیاست ارتباط متقابل و تنگاتنگ دارند و سیاست بدون دین و دین بدون سیاست ماندگاری و تداوم نخواهد داشت. هدف ادیان الهی بر این وادی قرار گرفته است که انسان را به سعادت و هدایت برسانند؛ لذا اگر ادیان تشکیل حکومت ندهند نمی‌توانند احکام و ارزش‌های خود را از تئوری به مرحله‌ی اجرا برسانند. بنابراین جوادی آملی معتقد به تشکیل حکومت است. در سایه‌ی تشکیل حکومت، امکان عملی‌سازی دین در عرصه‌های مختلف حیات انسان امکان‌پذیر است. از نگاه ایشان، دین و سیاست تقابل و تضادی باهم ندارند؛ از منظر مفسر قرآن اسلام بدون سیاست معنایی ندارد. در راهبرد فکری ایشان در ذات اسلام نقص و خللی وجود ندارد؛ آنچه انحطاط بر جوامع اسلامی به وجود می‌آید ناشی از ضعیف شناخت و عملکرد ناقص است. مسلمین اگر تابع مبانی قرآنی باشند و تئوری و عمل را با مبانی قرآنی مطابقت دهند در روند حیات فردی و اجتماعی دچار مشکل و بحران نمی‌گردند. وقتی ضعیف در نظر و عمل مسلمین هویدا شد؛ دشمن بر موج ایجادشده سوار می‌شود و مسلمین را براساس خواسته‌های خودسازمان‌دهی می‌کند؛ چیزی که الآن جهان اسلام درگیر آن است.

کتاب‌نامه

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، معرفت دینی، قابل دسترسی در سایت اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵)، اقتدای امام خمینی به نهضت امام حسین (ع)، تاریخ انتشار ۱۳۹۵/۶/۱۷
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲)، تعهد فرهنگی امام خمینی (قدس سره)، قابل دسترسی در سایت اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲)، شریعت در آینه‌ی معرفت، مرکز نشر رجاء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳)، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، مرکز نشر اسراء، قم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، دین‌شناسی (سلسله بحث‌های فلسفه دین)، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷)، حکمت قانونگذاری و قانون حکیمانه، قابل دسترسی در سایت: پایگاه اطلاع‌رسانی اسراء
- حسینی مطلق، سید محمدرضا (۱۳۸۲)، نفی یا اثبات سکولاریزم، انتشارات پارسایان، قم.

موانع عرفی شدن نظام سیاسی در اسلام براساس ... (سعید قربانی و بتول یوسفی) ۱۰۹

داورپناه، زهرا، بینای مطلق، سعید (۱۳۹۲)، انسان محوری، قلب سکولاریسم، بررسی تطبیقی آرای استاد جوادی آملی و چارلز تیلور، نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، شماره اول، ۶۷-۸۸.
درخشه، جلال و همکاران (۱۳۹۴)، «تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای»، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، دوره ۶، پاییز، شماره ۱۷، صص ۷۲-۵۳.

ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۵)، ریشه‌ها و نشانه‌های سکولاریسم، انتشارات کانون اندیشه جوان، تهران.
کشاوری، زهرا (۱۳۸۹)، مطالعه تطبیقی ویژگی‌های حقوقی دولتهای دینی و سکولار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

ناطق، محمد (۱۳۹۵)، فلسفه حکومت اسلامی در منظومه فکری آیت‌الله جوادی آملی، فصلنامه پرتو خرد، شماره ۱۱، ص ۶۹-۹۸.